

دانشکده علوم اجتماعی

عنوان نشست: محدودیت‌ها و ظرفیت‌های انتقال پایتخت

شناسنامه نشست	
واحد برگزارکننده نشست:	دانشکده علوم اجتماعی
مسئول نشست (عضو هیئت علمی):	دکتر محمد شیخی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۴/۲/۳۰
اعضای هیئت علمی:	دکتر محمدحسین پناهی، دکتر کاظمیان، دکتر محمود جمعه‌پور، دکتر علی خاکساری، دکتر غلامرضا لطیفی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر صرافی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر صدری (مدیرعامل مهندسين مشاور شاورستان)، مهندس پطروسیان (مدیر شهرسازی مهندسين مشاور شاورستان)، خانم مهندس ثابت‌قدم (کارشناس ارشد سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)، دکتر ناصر بنیادی (رئیس پژوهشکده معماری و شهرسازی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی ایران)، دکتر دولت‌آبادی (رئیس مرکز مطالعات تحقیقات شهرسازی و معماری ایران)

شناسنامه نشست	
مسئله محوری نشست:	انتقال پایتخت
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت کشور، شهرداری تهران

نشست محدودیت‌ها و ظرفیت‌های انتقال پایتخت در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۳۰ در محل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد. در این نشست، ابتدا در مورد شهر تهران و مسائل مربوط به آن، مباحثی مطرح شد. کلان‌شهر تهران، با در بر داشتن جمعیتی چندین برابر ظرفیت‌های اکولوژیک و توان‌های محیطی خود، امروزه با طیف متنوعی از مسائل و مشکلات، از مسائل اجتماعی و فرهنگی گرفته تا مسائل ساختاری و زیست‌محیطی مواجه شده است. براساس ارزیابی‌های صورت گرفته، این مسائل مولود چند خطای بنیادین در فرایند شهرسازی و توسعه شهری تهران بوده است.

علل اساسی مسائل تهران

۱. تمرکزگرایی موجود در کل کشور: تمرکزگرایی شهر تهران، بازتابی از سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه نامتوازن و تمرکزگرا در سراسر کشور است. این مسئله تهران را به مرکز مهم سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌ای تبدیل ساخته است که نتیجه طبیعی آن، تراکم بیش از حد جمعیت است؛ بنابراین بدون تمرکززدایی اقتصادی-عملکردی، اجتماعی و سیاسی تمرکززدایی کالبدی نیز مؤثر نخواهد بود.
۲. به کارگیری ینش کمی گرا و کالبدی: بسیاری از مسائل پیش روی کلان‌شهر تهران، ناشی از عدم به کارگیری چشم‌انداز همه‌جانبه و کل گراست. امروزه دیگر، شهر فقط از منظر کالبدی و کمی گرایانه مورد نظر قرار نمی گیرد. جنبه‌های غیر کالبدی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی شهر، نقشی عمیق‌تر و گسترده‌تر از بعد کالبدی و فیزیکی آن در سرنوشت و آینده یک شهر دارند.

۳. اجرا نشدن پیشنهادها: اغلب پیشنهادها، برنامه‌ها و طرح‌های منطقه‌ای و نیز سیاست‌ها و راهبردهای طرح آمایش سرزمین مورد توجه جدی قرار نگرفته و در اقدامات توسعه

شهری عملیاتی و اجرایی نشده‌اند.

مجموعه این دشواری‌ها و فشارها، سبب طرح ایده انتقال پایتخت شده است. این ایده، پیش از هر چیز، نیازمند بررسی و تحلیل از ابعاد و زوایای مختلف است.

ابعاد مهم طرح انتقال پایتخت

۱. فرایند انتقال، امری پرهزینه و بلندمدت است؛ بنابراین باید به‌طور دقیق مشخص شود که چه ضرورت‌هایی برای این امر وجود دارد (زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی و ...)، چه کسی (کسانی) دستور این انتقال را صادر و تا چه میزان از آن پشتیبانی خواهند کرد؟

۲. تصمیم‌گیری درباره انتقال، تصمیمی آزمایشی است و باید با کار کارشناسی و نوعی آینده‌پژوهی همراه باشد که نیاز به مطالعه‌ای جامع و همه‌جانبه دارد (کالبدی، فضایی، مدیریتی، اقتصادی و ...). اما در حال حاضر، بین برنامه‌ریزان و متخصصان و نیز اعضای تصمیم‌گیرنده، هماهنگی و توافق وجود ندارد.

۳. محل تأمین اعتبارات این طرح باید از همان ابتدا مشخص باشد و سپس دولت از طریق هماهنگی‌های بین بخشی دست به این اقدام بزند.

۴. از آنجایی که بخش مهمی از طرح انتقال به بخش مردمی و خصوصی مربوط است، باید دید تا چه اندازه آمادگی چنین کاری در میان مردم و بخش خصوصی فراهم است.

۵. تنها بحث نظام اسکان نیست که مطرح است، باید دید نظام فعالیت را چگونه می‌شود سامان‌دهی کرد؛ یعنی در چه جاهایی ظرفیت‌های اشتغال و پتانسیل‌های غیرالزام‌آوری وجود دارند که می‌توانند جمعیت را به خود جذب کنند و جابه‌جا سازند.

در این نشست، ایده مذکور از ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتیجه حاصل، عدم موافقت با طرح انتقال پایتخت بوده است. از نظر اعضای هیئت علمی شرکت‌کننده، در مورد مسائل تهران و طرح انتقال پایتخت چندین نکته وجود دارد:

۱. وضعیت توسعه‌یافتگی یک شهر بیش از آنکه وابسته به پایتخت بودن یا نبودن آن

باشد، مربوط به ظرفیت‌های توسعه و چارچوب‌های مدیریتی‌اش خواهد بود؛ بنابراین لازم است درباره تهران و سایر شهرهای کشور به این نکته توجه شود.

۲. تجربه انتقال پایتخت در دیگر کشورها، دقیقاً قابل انتقال به کشور ما نیست؛ چرا که شرایط آن‌ها با ما یکی نیست. غالب این تجارب نیز با شکست مواجه شده و یا برای سال‌ها، بار سنگین هزینه‌ای را برای کشورها ایجاد کرده و مشکلات جبران‌ناپذیری به بار آورده است.

۳. مسائل مختلف پیش روی تهران همچون: آلودگی، زلزله، بافت‌های فرسوده و ... انتقال پایتخت و مرکزیت سیاسی را توجیه نمی‌کند. این مسائل، سامان‌دهی و سازمان‌دهی مجدد را می‌طلبند. نکته اصلی در حل مشکلات تهران، توجه به توازن و تعادل منطقه‌ای، اصلاح سبک زندگی، توسعه پایدار و هماهنگی است. بدون توجه به این جنبه‌ها و انتقال صرف پایتخت، مشکلات تهران را حل نشده باقی خواهد گذاشت. بنابراین از نظر استادان، انتقال پایتخت به هیچ وجه به مصلحت کنونی کشور نیست و اجرای طرح با مشکلات و چالش‌های چندگانه‌ای مواجه است.

چالش‌ها و مشکلات پیش روی طرح

۱. با انتقال پایتخت سیاسی - اداری برخلاف انتظار، تنها تعداد اندکی از جمعیت تهران خارج می‌شوند. (با توجه به تجارب موجود در بهترین حالت کمتر از یک میلیون نفر) و مشکلات موجود به قوت خود باقی خواهند ماند.

۲. از منظر شهرسازی پسامدرن و بارویکردی کل‌نگر به مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و ... انتقال پایتخت به منزله نادیده انگاشتن بعد مهم غیرکالبدی زندگی شهری یعنی «انسان» است. مجموعه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، روابط شهروندان، هویت‌های محلی و منطقه‌ای، مشارکت و اعتماد اجتماعی در جریان این انتقال کالبدی، نادیده انگاشته می‌شود. نتیجه، شکل‌گیری سکونت‌گاه‌هایی با مشکلات جدی است که دولت تا سال‌ها باید برای آن هزینه کند. درحالی که مشکلات تهران همچنان بر جای خواهد ماند!

۳. انتقال پایتخت مشکل‌آفرین است. هر یک از مشکلات موجود در تهران مانند آلودگی، ترافیک و ... می‌تواند در انتقال دوباره زاده شود؛ همچنین جابه‌جایی هر یک از مراکز در تهران، این قابلیت را دارد تا با مراکز دیگر جایگزین گردد.

۴. تجربه ایجاد شهرهای جدید، آماده‌سازی زمین و بازسازی‌ها، قابل تأمل و بازاندیشی در هر گونه تصمیم است. در حال حاضر، به نظر نمی‌رسد ابزار لازم برای انتقال در دسترس باشد. مهم‌ترین این ابزار، ساز و کارهای بودجه‌ای- اعتباری، مدیریتی، اجرایی و نظارت بر اجراست.

توصیه‌های سیاستی جایگزین

براساس نتایج حاصل از نشست، استادان شرکت‌کننده در آن، دو توصیه سیاستی عمده به جای طرح انتقال پایتخت سوی مطرح کردند که می‌تواند در حل مسائل کنونی تهران مؤثر باشد:

۱. پیش از هر چیز **بررسی روندی** که در طول ۲۰۰ سال گذشته، منجر به تمرکز فزاینده در تهران و پیدایش مسائل کنونی آن شده و اصلاح و تغییر این فرایندها، با استفاده از روش‌های علمی جدید ضروری است. در این زمینه تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری در دولت مرکزی و واگذاری امور محلی به خود مراکز و توانمندسازی اجتماعات محلی، هدایت آگاهانه و با برنامه توسعه به سایر بخش‌های سرزمین، رفع تناقض بین طرح‌ها و اقدامات عملی در زمینه مسائل تهران، افزایش آگاهی‌ها در همه مسائل و به‌ویژه در مسائل مربوط به سکناگزینی، پرداختن به مسائل در فرایند مبتنی بر برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و اجرا براساس آن، ایجاد نظام یکپارچه پایش برای رصد کردن، ارزیابی و کنترل اصولی توسعه زیرساخت‌ها و امور عمرانی در کل کشور و دیدبانی واقعی و اثربخش توسعه تهران مؤثر خواهد بود.

۲. به جای انتقال پایتخت، باید به حرکت به سمت برنامه‌ریزی منطقه‌ای براساس **راهبردهای آمایش** به معنای رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت، از طریق بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین، بهبود کیفیت محیطی تهران و سامان‌دهی آن در چارچوب طرح آمایش پرداخت. این هدف از طریق

اقداماتی چون چون سامان‌دهی و بازسامان‌دهی تهران، انتقال عملکردها و فعالیت‌ها، تمرکززدایی و تراکم‌زدایی از تهران، هدایت تدریجی به سایر مراکز و مناطق و نقاط مستعد، اجتناب جدی و جلوگیری از ساخت‌وسازهای بیشتر در تهران و ایجاد جاذبه و جمعیت‌افزایی، ایجاد انگیزه به منظور انتقال سازمان‌ها به مناطق مناسب سایر استان‌ها و ایجاد مراکز و فضاهای رقابتی در سایر نقاط کشور، نوسازی و بهسازی و ایجاد تغییرات اندیشیده کارشناسی در زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی باشد. این اقدامات باید از محل هزینه‌های گزاف انتقال پایتخت تأمین اعتبار شود.

با این حال، در شرایط بسیار خاص، اگر مدیریت کلان کشور به این نتیجه برسد که انتقال پایتخت امری ضروری است، اجرای این طرح باید با در نظر گرفتن نکات زیر همراه باشد:

ملاحظات ضروری در اجرای طرح

۱. مسئله انتقال پایتخت، مسئله‌ای ملی - منطقه‌ای است؛ بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری در این زمینه نیز باید مبتنی بر نظر آحاد ملت و به‌ویژه صاحب‌نظران و کارشناسان باشد.
۲. حل مسئله تهران و نخست‌شهری پایتخت در گرو برنامه‌ریزی ملی در قالب آمایش سرزمین و منطقه‌ای است و باید از هرگونه نگرش مقطعی و موردی و موضعی در این باره اجتناب کرد.
۳. هرگونه جابه‌جایی و انتقال جمعیت، فعالیت و عملکرد نیز باید براساس توصیه‌های طرح‌های آمایش سرزمین و منطقه‌ای صورت گیرد و از تصمیم‌گیری مقطعی، موردی و فوری اجتناب شود.
۴. در جهت هر تغییری در سامانه‌های زیستی - فعالیتی پایتخت، بایستی از قبل مطالعه، کار کارشناسی و برنامه‌ریزی لازم و کافی صورت گیرد و سپس با ایجاد زمینه، آگاهی‌بخشی و آموزش کافی با قاطعیت به اجرا درآید.
۵. قبل از هر تصمیم‌گیری و اقدام، بررسی و ارزیابی تجارب مشابه داخلی (عملکرد شهرهای جدید و توسعه‌های جدید شهری) و خارجی (با توجه به بسترها، زمینه‌ها و شرایط) ضرورت دارد.